

## دولت، فضای مجازی و آینده پژوهی پروبلماتیک‌های بازتولید قدرت در ایران پس از انقلاب

علی آرزمی<sup>۱</sup>  
عباس حاتمی<sup>۲</sup>  
حسین هرسیج<sup>۳</sup>

### چکیده

بر اساس نظریه‌های سنتی بازتولید قدرت، دولت‌ها با استفاده از ابزارها و نهادهایی همچون مدرسه، رسانه‌های جمعی و سایر نهادهای اجتماعی تلاش می‌کند به بازتولید قدرت و تداوم صورت‌بندی‌های سیاسی اجتماعی موجود در جامعه مبادرت ورزند. اما با توسعه فضای مجازی قلمروهای کنش که زمانی محدود به جغرافیای سیاسی تحت حاکمیت دولت‌ها بود به فراقلمروهای سیال غیرمکان‌مند، تغییر نمود و ضمن دگرگونی روابط و مناسبات قدرت میان شهروندان و حاکمیت‌های سیاسی، فرایند بازتولید قدرت دولت به ویژه در شکل نرم آن را نیز دستخوش تحول ساخت. با مدنظر قرار دادن این تحول کلی، سؤال اصلی مقاله فرارو این است که فضای مجازی چه پروبلماتیک‌های را برای بازتولید قدرت دولت در ایران به همراه دارد و پیامدهای پروبلماتیک‌های مزبور چه خواهند بود؟ بدین سان مقاله با در پیش گرفتن رویکردی آینده پژوهانه به دنبال شناسایی مسئله‌مندی‌هایی است که دولت ایران در فرایند بازتولید قدرت و در قالب تولید معانی، تداوم ارزش‌ها و هنجارها در عصر سلطه فضای مجازی با آن روبرو خواهد شد. داده‌های این پژوهش به شیوه میدانی و اسنادی و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، پرسشنامه خبره، فیش‌نویسی از متون و اسناد گردآوری شده‌اند. همین‌طور در تحلیل این حجم پراکنده از اطلاعات از تکنیک آینده‌پژوهانه دلفی (فازی) به‌عنوان چهارچوب روشی مقاله استفاده شد. بر اساس این روش، ۸ مؤلفه و ۱۴ زیر مؤلفه به‌عنوان پروبلماتیک‌ها و نیز پیامدهای مترتب بر بازتولید قدرت دولت در ایران پس از انقلاب در عصر تفوق فضای مجازی احصاء و استخراج گردید. نهایتاً از جنبه سیاست‌گذاری عمومی مشخص گردید سیاست‌گذاران حوزه فضای مجازی باید بر مکانیزم‌های اجرایی متمرکز شوند که از طریق آن بتوان از درون چالش‌های مورد بحث، فرصت‌های یافت که ضمن تسهیل بازتولید قدرت دولت، توانمندی نیروهای جامعه مدنی را نیز نادیده نگیرد.

**کلید واژه‌ها:** فضای مجازی، بازتولید قدرت، دولت، دلفی فازی، پروبلماتیک.

**Email:** am\_az88@yahoo.com

**Email:** A.hatami@ase.ui.ac.ir

**Email:** harsij@ase.ui.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۳- استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲۳

## مقدمه

تبادل اطلاعات و دانش از طریق اینترنت به‌عنوان پیشرفته‌ترین وسیله ارتباط جمعی، فضای جدیدی را به نام فضای مجازی<sup>۱</sup> به‌وجود آورده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۳). «پروژه ارتباطی-اطلاعاتی (اینترنت) طی روند تکاملی خود توانسته است، اتصال رایانه‌های شخصی را در هر نقطه‌ای از جهان با حداقل امکانات فراهم آورد» (توانا و هاشمی اصل، ۱۳۹۴: ۱۵) و الگوهای ارتباطی جدیدی ایجاد کند. فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی تحت وب «رسانه‌هایی اجتماعی ایجاد کرده‌اند که با دارا بودن ویژگی تعاملی و اشتراک‌گذاری، فضای نوینی را در عرصه کنشگری ایجاد می‌کند» (خانیک و بابایی، ۱۳۹۰: ۷۱). در چنین فضایی سوژه‌ها، رهایی یافته از قلمروهای منحصر به مکان، به فراقلمروهای مجازی؛ «جایی که در آن می‌توانند بدون حضور فیزیکی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند» (صادق‌زاده وایقان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲)، دسترسی پیدا کرده‌اند و همین امر امکانات گسترده‌ای را در اختیار آنان قرار داده است. به بیان کاستلز<sup>۲</sup> «فناوری‌های نوین اطلاعاتی، نقاط دور عالم را در شبکه‌های جهانی به همدیگر پیوند می‌دهند، ارتباطات رایانه‌ای مجموعه‌ای از جوامع مجازی را به‌وجود می‌آورند و در نتیجه آن همه ساختارها و فرآیندهای مادی و معنوی بشری دگرگون می‌شوند» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۸). در عرصه سیاسی معنای چنین تحولی این است که در چنین فضای سیالی؛ معناگزینی، انتخاب‌گری، هویت‌یابی و میدان کنش برای شهروندان تا فراتر از مرزهای سرزمینی تحت نظارت و کنترل حاکمیت‌های سیاسی گسترش یافته است (چو و لیم<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰۳).

لذا به یک معنا «مشخصه اصلی جهانی‌شدن معاصر، رسوخ‌پذیری مرزهای سرزمینی و تزلزل حاکمیت مطلق دولت‌هاست» (توانا و هاشمی اصل، ۱۳۹۴: ۱۵). موضوعی که پیوندی وثیق با بستر و وضعیتی دارد که تحت عنوان «جامعه اطلاعاتی»، «انقلاب ارتباطی» و «فضای مجازی» شناخته شده است. اگر زمانی «این شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بودند که نقش حاکمیتی دولت‌ها را کمرنگ می‌کردند، امروزه رسانه‌های [تحت وب] پا را فراتر گذاشته و نقش حاکمیتی دولت‌های ملی را مورد تعرض قرار داده است (جعفری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲) و به یک تعبیر «در حال ملی‌زدایی پدیده‌ها است» (هلد و مک‌گرو<sup>۴</sup>، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۲۱). فضای مجازی به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از هر نوع کنترل از سوی مراجع قدرت، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به‌وجود آورده‌اند. امروزه پدیده انقلاب ارتباطات و محصول کاملاً شناخته شده آن یعنی اینترنت و به تبع آن فضای مجازی در حال ایجاد تغییرات اساسی و

1. Cyber Space
2. Manuel Castells
3. Chou & Lim
4. Held & McGrew

وسیع‌تری در ماهیت، اشکال و ساختارهای قدرت در جوامع گوناگون اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه است و این امر پژوهشگران را به پرسش درباره میزان و چگونگی این تغییرات و تأثیرات کنونی و آتی فضای مجازی بر زندگی سیاسی جوامع و رابطه بین دولت‌ها و شهروندان واداشته است. یکی از عوامل توجه روزافزون پژوهشگران علوم اجتماعی و سیاسی به این پدیده نقشی است که فضای مجازی می‌تواند در بازتولید قدرت، جامعه‌پذیری سیاسی و شکاف‌های سیاسی اجتماعی داشته باشد. این توانایی به دلیل ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمانی ارتباط، فراگیر بودن و متمرکز نبودن فضای مجازی است که آن را از رسانه‌های جمعی سنتی مانند رادیو و تلویزیون متمایز می‌سازد.

بالطبع سلطه فضای مجازی حوزه‌های گوناگونی از مشارکت سیاسی (تالبرت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۱۸۵-۱۷۵) گرفته تا حوزه انقلاب‌ها (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۵۴) را دستخوش تحول ساخته است. در این مقاله بنا نیست که تحولات مزبور در تمامی حوزه‌های دستخوش دگرگونی بحث شود. این مقاله در واقع می‌کوشد تا یکی از این حوزه‌های دستخوش تحول یعنی بازتولید قدرت در ایران و به‌ویژه شکل نرم آن را بررسی نماید. بر اساس نظریه‌های رایج بازتولید قدرت، دولت‌ها با استفاده از ابزارها و نهادهایی همچون مدرسه، رسانه‌های جمعی و سایر نهادهای اجتماعی تلاش می‌کند تا به‌شیوه‌ای نرم به بازتولید قدرت و تداوم صورت‌بندی‌های سیاسی اجتماعی موجود در جامعه مبادرت ورزند (آلتوسر، ۱۳۹۲: ۱۴۳، بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۴۱). بر اساس این نظریه‌ها، دولت با انحصار ابزارهای بازتولید به انتقال ارزش‌ها و بازتولید قدرت دست می‌زند. اما مسئله‌ای که این مقاله تلاش می‌کند تا آن را مشخص کند این است که با ورود فضای مجازی آیا دولت در ایران می‌تواند همچون گذشته فرایند بازتولید قدرت خود را استمرار بخشیده یا اینکه ورود فضای مجازی پروبلماتیک‌هایی را برای آن به‌وجود خواهد آورد؟ این پروبلماتیک‌ها کدامند؟ و نهایتاً پیامدهای این پروبلماتیک‌ها چه خواهد بود؟ همان‌طور که می‌دانیم از عمر فضای مجازی و گسترش آن در ایران زمان زیادی نمی‌گذرد و اگر با بررسی‌های دقیق و علمی پیامدها، فرصت‌ها و تهدیدات این فضا را برای نظام سیاسی و از جمله کارویژه بازتولید قدرت مورد توجه نظر قرار ندهیم در آینده با وضعیتی روبه‌رو خواهیم شد که درک و فهم فراگیری از آن نداریم. به همین دلیل مقاله فرارو می‌کوشد تا با رویکردی آینده‌پژوهانه و با بهره‌گیری از روش دلفی فازی ضمن تشریح پروبلماتیک‌های سیاسی و اجتماعی بازتولید قدرت در ایران عصر تفوق فضای مجازی، درکی کلی از پیامدهای این وضعیت به همراه اولویت‌بندی آنها ارائه دهد که نهایتاً حاوی توصیه‌های راهبردی برای نظام سیاسی باشد.

### پیشینه پژوهشی

در خصوص رابطه فضای مجازی و بازتولید قدرت پژوهش‌های بسیار محدودی صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که آثار کمی به‌ویژه به زبان فارسی به رشته تحریر درآمده که غالباً هم به‌صورت مجزا به

بررسی این دو حوزه پرداخته‌اند، با این حال در ادامه بحث به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد و مشخص خواهیم ساخت که مقاله پیش‌رو نسبت به این نوشته‌ها چه تفاوت‌هایی داشته و نوآوری متن حاضر از چه جنبه‌هایی است.

سربرنی و خیابانی (۲۰۱۰) در کتابی با عنوان «بلاگستان: اینترنت و سیاست در ایران» به ارتباط بین رسانه‌ها، دولت و نقش دولت در تأثیرگذاری بر رسانه‌ها پرداخته‌اند. اینان نگرش تاریخی به رابطه رسانه و دولت تا آغاز عمومیت یافتن استفاده از اینترنت در ایران دارند و آن را مبنای تحلیل خود می‌دانند. نویسندگان به این پرسش اساسی می‌پردازند که آیا عمومیت یافتن اینترنت فرهنگ جدیدی از فعالیت سیاسی را به وجود آورده است؟ نویسندگان تلاش می‌کنند تا فهم جدیدی از وضعیت سیاست در فضای سایبر ارائه کنند و اینکه این ابزار چگونه بر روی فضای سیاسی اجتماعی کشور تأثیر گذاشته است.

پتیت (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های جنبش اجتماعی در گفتمان اینترنت» به بررسی اهمیت توجه به نقش اینترنت در بسیج توده‌ای مردم پرداخته است و دلیل این اهمیت را امکان انتشار گسترده و سریع اطلاعات می‌داند. وی اینترنت و فضای مجازی را یکی از بسترهای شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در عصر کنونی می‌داند به نظر پتیت شکل‌گیری جنبش‌های آنلاین و شکل‌های نوین اعتراض اینترنتی و کنشگری در محیط الکترونیکی و اجتماع مجازی از پدیده‌های جدید قابل مطالعه در علوم اجتماعی هستند که تحت تأثیر افزایش شمار کاربران فضای مجازی به وجود آمده است.

وایت‌مور و غفارزادگان (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «ابزارهای فرهنگی خلاقیت و سیاست اقناع در وبلاگ‌های فارسی» به بررسی توسعه کشمکش‌های قدرت و رفتارهای سیاسی متناقض در جامعه سایبری به‌ویژه در فضای وبلاگی پرداخته‌اند. نویسندگان با انتخاب و مطالعه موردی فضای وبلاگستان فارسی که از دید آنان بسیار سیاسی است، به بررسی تأثیر وبلاگستان بر ساختار سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. این مطالعه، بر روی تکاپوی درونی وبلاگستان فارسی تمرکز نموده و به تحلیل مردم‌نگارانه‌ی راهمایی می‌پردازد که افراد تلاش می‌کنند برای توجیه افکار خود و اقناع دیگران و برای کسب قدرت و مشروعیت از آنها استفاده نمایند.

چنانکه مشخص است هیچ یک از پژوهش‌های مزبور اولاً از نظر پروبلماتیک بازتولید قدرت به بحث از فضای مجازی در ایران نپرداخته‌اند. ثانیاً رویکرد آنها کمتر آینده پژوهانه و به شیوه‌ای متفاوت از روش به کار گرفته شده در این پژوهش یعنی روش دلفی صورت گرفته است.

### تعریف مفاهیم

**دولت:** به مجموعه‌ای که انحصار استفاده مشروع از خشونت فیزیکی و خشونت نمادین را بر یک سرزمین معین و روی مجموعه جمعیت متعلق به آن، با موفقیت اعمال می‌کند اطلاق می‌شود. در این تعبیر اگر دولت یک راهکار اعمال خشونت نمادین است بدین دلیل است که دولت در دو قالب متجسد می‌شود:

نخست در عینیت (ساختارهای سیاسی و اجتماعی) و دیگر در ذهنیت یعنی درک و اندیشه افراد (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

**باز تولید قدرت:** نظام‌هایی از قابلیت‌های پایدار و قابل انتقال (از خلال آموزش و فرایند اجتماعی شدن یا از طریق تقلید و تأثیرپذیری) برخوردارند که ساختارهای بیرونی را در افراد درونی می‌کنند، به‌صورتی که افراد با عمل خود ساختارها را بازتولید کنند و این فرآیندی است که طی آن روابط قدرت نه به شکلی که عیناً هستند، بلکه به شکلی ادراک می‌شود که آنها را در چشم بینندگان مشروع می‌گرداند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

**فضای مجازی:** فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت افزار نیست، بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد رد و بدل می‌کنند. این فضا می‌تواند عامل اساسی در فرهنگ‌سازی و هویت‌سازی و به‌تبع آن تأثیر مهمی در روند اجتماعی‌شدن افراد داشته باشد (بل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۷۹).

### چارچوب نظری

ادبیات نظری پژوهش که از آن با عناوین دیگری چون طرح نظری مسئله تحقیق و الگوی تبیینی تحقیق نیز یاد شده، اهمیت اساسی در پیشبرد پژوهش‌ها دارند. نظریه‌ها می‌توانند به‌عنوان راهنمایی برای انتخاب فکت‌ها یا اسناد پژوهش، به‌عنوان هدف پژوهش، به‌عنوان ابزار پژوهش، به‌عنوان موضوع مورد مناقشه پژوهش و نهایتاً به‌عنوان پیکربندی تعلیلی پژوهش عمل نمایند (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). آنچه در اینجا اهمیت دارد و اساس کار در این مقاله است، طرفداری از این یا آن نظریه نیست، بلکه آشنایی با مفهوم اساسی بازتولید قدرت و درک این مفهوم در نظریه‌های اساسی علوم سیاسی است. همچنین نظریه‌ها در اینجا به‌مثابه راهنمای طرح سؤالات در مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان و نیز طراحی پرسشنامه‌ها در راندهای دلفی به‌کار گرفته شده‌اند.

هنگامی که از بازتولید قدرت توسط دولت سخن به میان می‌آید این بدین معناست که هر یک از نهادهای متعلق به آن به نوعی در خدمت منافع نظام حاکم قرار دارند و ارزش‌ها و آرمان‌ها و به عبارتی دیگر ایدئولوژی نظام حاکم را ترویج، القا و بازتولید می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۷۲). دولت‌ها از طریق مجاری نرم مختلفی همچون رسانه‌ها، مدارس، مساجد، نهادها و چارچوب‌های قانونی و نظام آموزشی سعی در گسترش و تداوم نظام ارزشی و فرهنگی و بازتولید مناسبات سیاسی و اجتماعی مستقر دارند. بالطبع نظام‌هایی قادر به حفظ تعادل و پایداری خود خواهند بود که توان بازتولید مشروعیت و عناصر و شاکله‌های مختلف آن را داشته باشند. هدف بازتولید قدرت نیز تربیت یا پرورش افراد و یا جامعه‌پذیری سیاسی (جسوپ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵: ۶) آنان به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند. دولت‌ها همواره

1. Bell  
2. Jessop

و به‌طور مداوم در تلاش تولید و بازتولید هژمونی خود در عرصه‌ی سیاست هستند بنا به اعتقاد آلتوسر روبنا یا در این بیان دولت، به‌طور کلی ساختار سیاسی و همچنین ساختار ایدئولوژیکی را شامل می‌شود که در بازتولید قدرت به شیوه نرم آن نقش اساسی دارند. از نظر آلتوسر در جامعه سرمایه‌داری، دولت در خدمت بازتولید و تداوم این نظام قرار دارد که از دو طریق این نقش را ایفا می‌کند: در شرایط حاد از نیروی قهریه خود استفاده می‌کند؛ ارتش، پلیس، ادارات، دادگاه‌ها و زندان‌ها به‌عنوان دستگاه‌های سرکوب دولت چون با خشونت عمل می‌کنند یا به‌عبارت بهتر دستگاه‌هایی مبتنی بر الزام و اجبارند. اغلب اوقات به دلیل کارایی کم و بیش مؤثر دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولت، استفاده از قوه قهریه ضرورت ندارد؛ دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولت به شیوه‌ای نرم تضمین می‌کنند که مردم خواست‌های ساختار شالوده‌ای را بدان گونه که از آنها خواسته می‌شود انجام دهند (به نقل از کرایب، ۱۳۷۸: ۲۱۶). در این جا دستگاه‌های ایدئولوژیکی نیز شامل دستگاه‌های مذهبی، نهادهای آموزشی، دستگاه خانواده، رسانه‌های جمعی، اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها، دستگاه‌های فرهنگی (ادبیات و هنر) هستند (آلتوسر، ۱۳۹۲: ۱۴۳). به‌عبارت دیگر دولت گاهی مستقیماً از زور و سرکوب برای بازتولید نظام موجود به شکل خشن آن استفاده می‌کند که این در مفهوم دستگاه سرکوب دولت نمایان می‌گردد و گاهی به شیوه غیرمستقیم و نرم یعنی از طریق نظام ایدئولوژیکی دولتی به بازتولید نظام حاکم می‌پردازد. به‌عبارتی دیگر در حالی که دستگاه‌های سرکوب‌گر دولت مردم را مجبور به رفتار بر طبق هنجارهای اجتماعی می‌کنند، اما دستگاه‌های ایدئولوژیکی گرایش به رفتارهای مقبول و هماهنگ با نرم‌های اجتماعی را به شیوه‌ای نامحسوس و ناملموس محقق می‌سازند. آلتوسر وسایل ارتباطات جمعی را جزء دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولت سرمایه‌داری می‌داند که نقش مهمی در بازتولید قدرت به شیوه نرم آن و گرایش به رفتار و فکر کردن در شیوه‌های مقبول اجتماعی دارد. در این جا دستگاه‌های ایدئولوژیکی بازتولید قدرت به این علت ضرورت دارند که دولت و نظام باید بتوانند بدون خطر انقلاب، خود را بازتولید کنند. جان فیسک به خوبی توضیح می‌دهد که چگونه دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولت که آلتوسر مطرح می‌کند بازتولید قدرت را به‌وسیله تأسیس و مشروعیت‌سازی نرم‌های اجتماعی به نتیجه می‌رسانند. به تعبیر فیسک این نرم‌های اجتماعی در کارهای هر روزه دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولت شکل واقعیت به خود می‌گیرد. گرچه هر یک از این نهادها ظاهراً از هم مستقل بوده و پیوند آشکاری بین آنها وجود ندارد؛ با این حال آنها فعالیت‌های مشابهی را انجام می‌دهند، فعالیت‌هایی که نه تنها درک ما از جهان بلکه درک ما از خودمان و هویت‌مان و ارتباط‌مان با جامعه را تشکیل می‌دهد (فیسک، ۱۳۸۱: ۳۷). با این وجود نباید فراموش کرد این اشکال نرم بازتولید قدرت هم جا به یک شیوه و یکسان محقق نمی‌شوند. برای نمونه زمانی که این شیوه نرم اعمال بازتولید در رژیم‌های اقتدارگرای جهان سوم به‌کار گرفته می‌شوند، ممکن است این شیوه‌ها با سازوبرگ‌ها و ابزارهای بسیار متفاوتی از ابزارهای پوپولیستی گرفته تا ابزارهای کورپوراتیستی اعمال گردند (حاتمی، ۱۳۹۴: ۲۰).

به طور کلی مباحث آلتوسر درباره اشکال دوگانه اعمال قدرت تا حد زیادی تحت تأثیر اندیشه‌های گرامشی قرار داشت که بر اساس آن قدرت به شکل خشن و عریان از سوی دستگاه قهریه دولت و یا به شکل ناملموس و ظریف از سوی دستگاه‌های آموزشی، فرهنگی و دین اعمال می‌شد (دیورینگ، ۱۳۸۲: ۷). گرامشی نیز مانند سایر مارکسیست‌های فرهنگی اهمیت ویژه‌ای برای دستگاه هژمونی قائل است، بدین معنی که سرکوب و بازتولید ایدئولوژیک حکومت‌ها در کنار سرکوب و بازتولید اقتصادی-سیاسی و همچنین قوه‌ی قهریه از اهمیت بسیاری برخوردار است (گرامشی، ۱۳۸۳: ۶۶). بوردیو نیز در کارهای خویش تلاش می‌کند تا پیوندی میان سطوح خرد و کلان ایجاد کند و آنها را در هم آمیزد. به عبارت دیگر او در پی آن است که هم به ساختارها توجه کند و هم نقش عاملیت را در نظر بگیرد. برخلاف موضع ساختارگرایی آلتوسر و گرامشی، که جنبه‌های داوطلبانه و ارادی فرد را در برابر ساختارها نادیده می‌گیرد؛ پیر بوردیو در نظریات خویش به دنبال این است که در مطالعه زندگی اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و کنش‌های فردی را توأمان در نظر بگیرد. بوردیو کنشگر را در برابر ساختارهای اجتماعی مبتکر و هدفمند می‌داند.

یکی از مفاهیم مهم بوردیو درباره رابطه متقابل میان ساختارهای اجتماعی و کنشگران، مفهوم «منش» (عادت واره) است (جنکینز، ۱۳۸۲: ۹۷). منش‌ها دارای وجوهی ناخودآگاه بوده و در حقیقت در حکم دستورالعمل و قاعده برای شکل‌گیری کنش‌ها می‌باشند؛ به عبارت دیگر منش‌ها محصول ساختارهای اجتماعی هستند و شرایط اجتماعی را بازتولید می‌کنند؛ به باور بوردیو رابطه میان منش‌ها و ساختار اجتماعی و کنشگران اجتماعی رابطه‌ای یک‌سویه نیست، بلکه کنشگر در برابر منش‌ها دارای قدرت ابتکار و نوآوری است بدین معنا که منش‌ها در چارچوب ساختارهای اجتماعی قواعد کنش را طراحی و تنظیم می‌کنند، ولی در عین حال نوآوری کنشگر را سلب نمی‌کنند از این رو در نظریه بوردیو نه کنشگران در برابر ساختارها از آزادی به‌طور کامل برخوردارند و نه ساختارهای اجتماعی کاملاً محدود کننده کنش‌های عاملان اجتماعی قلمداد می‌شوند (شوبره و اولیویه، ۱۳۸۵: ۵۱).

بوردیو، دولت را مکان کشمکش بر سر انحصار خشونت نمادین می‌داند؛ «خشونت نمادین به‌گونه‌ای غیرمستقیم و بیشتر از طریق مکانیسم‌های فرهنگی اعمال می‌شود و با صورت‌های مستقیم‌تر نظارت اجتماعی که جامعه‌شناسان غالباً بر آنها تأکید دارند، متفاوت است. نظام آموزشی، نهاد عمده‌ای است که از طریق آن خشونت نمادین در مورد انسان‌ها اعمال می‌شود. زبان، معانی و نظام نمادین افراد در رأس قدرت، بر بقیه مردم جامعه تحمیل می‌شود. این نوع خشونت جایگاه افراد در رأس قدرت را تحکیم بخشیده و عملکردهای واقعی آنها را از چشم بقیه مردم پنهان می‌سازد. بوردیو نظام آموزشی را در بازتولید قدرت موجود و روابط طبقاتی نیز بسیار دخیل می‌داند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۴۱). در این دید خشونت نمادین، نوعی از خشونت است که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آنها اعمال می‌شود و نیز کسانی که آن را اعمال می‌کنند، انجام می‌شود؛ زیرا هر دو گروه، نسبت به اعمال آن، آگاهی ندارند (بوردیو، ۱۳۸۷: ۲۵). بوردیو معتقد است، چنین خشونتی، تحمیل‌کننده اطاعت‌هایی است، که نه فقط به‌مثابه اطاعت

درک نمی‌شوند؛ بلکه با اتکا بر «انتظارات جمعی» و «باورهای از لحاظ اجتماعی درونی‌شده»، فهمیده می‌شوند. بدین سان نظریه خشونت نمادین، نظریه‌ای است که بر بازتولید باورها استوار است؛ یعنی نظریه‌ای که نشان می‌دهد؛ کنشگران برخوردار از قالب‌های دریافتی و ادراکی خاص، چگونه دستورات درون یک موقعیت یا یک گفتار را درک کرده و از آنها اطاعت می‌کنند. بنا بر عقیده بورديو کنشگران در حیات اجتماعی با استفاده از قدرت اختیار و اراده خویش به بازتولید ساختارهای اجتماعی می‌پردازند. این بدان معناست که وی در مقوله بازتولید رابطه متقابلی را بین ساختارهای اجتماعی و عاملان اجتماعی لحاظ می‌کند. از سوی دیگر کارکرد ایدئولوژی توجیه وضعیت موجود است از این رو مشاهده می‌گردد که کنشگران فعالانه یا منفعلانه ارزش‌ها و خط‌مشی‌های نظام حاکم را دنبال می‌کنند و آن را مجدداً خلق و ایجاد می‌نمایند (اسمیت، ۱۳۸۷: ۹۴). بنابراین در هر نظامی مجموعه‌ای از ساختارها حاکم است که از جانب کنشگران و عاملان بازتولید می‌گردد. در حقیقت دولت در بازتولید مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. به زعم بورديو، دولت طی فرآیند همگانی کردن (یعنی راه و رسم‌های همگانی را که از طریق اطلاع عمومی به‌گوش مردم می‌رساند)، همواره استعداد غصب حق اعمال خشونت نمادین مشروع را در خود دارد. به‌منظور در دست داشتن حق اعمال خشونت نمادین، دولت همواره سعی دارد، تا تمامی اشکال همگانی کردن؛ اعم از چاپ و انتشار کتاب، نمایش‌های تئاتری، خطابه‌های عمومی و مواردی از این دست را تنظیم کند (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

از سویی دیگر یکی از جلوه‌های جهانی‌شدن معاصر، ظهور انقلاب اطلاعات و گسترش فضای مجازی است. «سیالیت بر بال رسانه‌ها» تعبیری است که کاستلز در توصیف این وضعیت به آن اشاره می‌کند. او همچنین در توصیف فضای مجازی از تعبیر «زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها» استفاده می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲). «به تعبیر کاستلز جامعه شبکه‌ای جهانی، جامعه‌ای است که ساختارهای اجتماعی آن پیرامون شبکه‌های فعال شده از طریق فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و پردازش شده دیجیتالی و مبتنی بر میکروالکترونیک شکل گرفته است (کاستلز، ۱۳۹۳: ۸۳). در این جامعه حاکمیت شبکه‌ها بر فعالیت‌ها و مردمی است که نسبت به شبکه‌ها «بیرونی و خارجی» محسوب می‌شوند و از این نظر شبکه‌های جهانی به زوال شبکه‌های محلی می‌انجامند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۸۶). در جامعه شبکه‌ای جهانی، همه شئون انسانی نظیر ارزش‌ها، هویت، الگوی تقسیم کار، مفهوم زمان و مکان و همچنین قدرت، به شبکه‌ها وابسته شده‌اند و اهداف، ویژگی‌ها، ساختار و برنامه‌های شبکه است که به تعریف شئون انسانی می‌پردازد. در این جامعه، ارزش از طریق سلسله مراتب برنامه‌ریزی شده شبکه و از کانال کنشگرانی که درون شبکه ایفای نقش می‌کنند، تعریف می‌شود. در این وضعیت شبکه‌ها، تسلط فضای «مکان‌ها» بر فضای «جریان‌ها» را نوید می‌دهند و شکل فضایی از جامعه ایجاد می‌شود؛ همچنین فرهنگ جامعه شبکه‌ای به فرهنگ پروتکل‌های ارتباطی تغییر می‌یابد؛ حاکمیت دولت-ملت دگرگون می‌شود؛ دولت شبکه‌ای ظهور می‌کند و سرانجام قدرت در جامعه شبکه‌ای به دست کسانی می‌افتد که ظرفیت‌های ارتباطی میان شبکه‌ها و گروه‌های درون شبکه را کنترل می‌کنند. به‌نظر می‌رسد که مشرب فلسفی کاستلز، حرکت بر مدار



ساختارگرایی آلتوسری است هر چند او به صورت آشکار بر چنین گزاره‌ای مهر تأیید نرده است. از نظر کاستلز، شبکه‌ها، ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشم‌گیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۳۷). همین طور کاستلز نوعی همسبستگی بین خشونت نمادین و شبکه‌های چندرسانه‌ای قائل است. چنانکه به زعم وی «خشونت و تهدید به خشونت، همیشه با ساخت معانی در تولید و بازتولید روابط قدرت در همه حوزه‌های اجتماعی همراه بوده است. ... یکی از ویژگی‌های مشترک تمام فرایندهای ساخت نمادین، این است که آنها تا حد زیادی وابسته به پیام‌ها و قالب‌های ایجاد شده و انتشار یافته در شبکه‌های ارتباطی چند رسانه‌ای هستند» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۳۱۹). کاستلز به خوبی آگاه است که برای اینکه بتواند از تغییر مفهوم قدرت، منابع تولید قدرت و فرایندهای حیاتی قدرت سخن بگوید، ابتدا باید تغییر در بستر و منابعی را که قدرت از آن منبعث می‌شود نشان دهد. به نظر می‌رسد مفهوم جامعه شبکه‌ای جهانی چنین نقشی را در اندیشه کاستلز دارد. همین مفهوم است که دیدگاه کاستلز در مورد بازتولید مناسبات قدرت در فضای مجازی و یا جامعه شبکه‌ای را دارای اهمیت می‌سازد.

### روش پژوهش

مطالعه تحلیلی حاضر از نوع مطالعات کیفی در حوزه آینده‌پژوهی است. یکی از روش‌های کسب دانش گروهی مورد استفاده در آینده‌پژوهی تکنیک دلفی (فازی) است که در این مقاله نیز به منظور دست‌یابی به اجماع نظرات خبرگان در حوزه مورد بررسی از آن استفاده شده است. روش دلفی، از جمله روش‌های ذهنی - شهودی حوزه‌ی آینده‌پژوهی به‌شمار می‌آید. روش دلفی روش یا تکنیک ارتباطی از نوع ساختمان است که در اصل به منظور پیشگویی نظامند و تعاملی مبتنی برهم‌اندیشی خبرگان ابداع شده و توسعه پیدا کرده است (لینستن و توراف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۱۴۸).

این روش که در آینده‌پژوهی استفاده می‌شود عمدتاً اهدافی چون کشف ایده‌های نوآورانه و قابل اطمینان یا تهیه اطلاعاتی مناسب به‌منظور تصمیم‌گیری را دنبال می‌کند. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۶۱). به عبارتی دیگر، دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از گروهی از متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است و رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ‌دهندگان و بازخورد نظرات به اعضای پانل را دنبال می‌کند (آدلر و زیگیلیو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۶۱).

1. Linstone & Turnoff  
2. Adler & Zigilio

گرچه ریشه‌های تاریخی این روش به وجود معبد آپولون در شهر دلفی یونان باز می‌گردد، اما پیشینه روش دلفی به‌عنوان ابزاری علمی برای پیش‌بینی آینده، محصول دهه ۱۹۵۰ میلادی است و یکی از دستاوردهای جنگ سرد محسوب می‌شود. آغاز کاربرد دلفی به‌عنوان روشی پژوهشی، به پژوهش درباره مسائل پیچیده دفاعی بر می‌گردد که نورمن دالکی و اولاف هلمر انجام دادند (گوردون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: ۸۳).

فرضیه‌ی اصلی یک طرح دلفی متداول، توافقی است که در میان یک گروه پژوهشی شکل می‌گیرد، توافقی که از قابلیت مبدل‌شدن به الگویی برخوردار است که خود را نسبت به هر عقیده‌ی شخصی مرجح نشان می‌دهد. روش دلفی قضاوت افراد خبره را به‌عنوان داده‌های قابل قبول و مفید برای دست یافتن به راهکارهای مناسب مبنای تحلیل خود تلقی می‌کند. در این جا گفته می‌شود گرچه نظر یک کارشناس ممکن است با پیش‌داوری یا سوگیری فردی او آلوده باشد، اما نظرات حاصل از بحث گروهی از کارشناسان خود را به فراسوی تنگناهای عقاید جزمی احتمالی یک فرد بر می‌کشد. روش دلفی کارشناسان را به‌طور منظم و سخت‌درگیر یک مسئله غامض می‌کند (آدلر و زیگیلیو، ۱۹۹۶: ۱۳۷) و به همین دلیل بر این پیش‌فرض استوار است که اجماع میان متخصصان از دیدگاه فردی قابل اطمینان‌تر است. بنابراین اعتبار روش دلفی نه به‌شمار شرکت‌کنندگان که به اعتبار علمی شرکت‌کنندگان آن بستگی می‌یابد.

در این روش هیأت‌هایی (پنل) از متخصصان شکل می‌گیرد. ارتباط میان اعضاء نیز توسط پژوهشگر برقرار و حفظ می‌شود؛ با این حال هیچ یک از کارشناسان یکدیگر را نمی‌شناسند. در واقع انتشار اطلاعات مربوطه بدون اعلام هویت ارائه‌دهندگان صورت می‌پذیرد (توراف، ۱۹۹۶: ۸۵). همین‌طور پرسشنامه، پنل کارشناسان و ادوار پرسش سه عنصر اصلی در این روش هستند که با ساختارسازی جریان اطلاعات و ارائه بازخورد به شرکت‌کنندگان و بدون مشخص شدن هویت آنها برای یکدیگر، توافق نهایی را شکل می‌بخشد (سایتو و سین‌ها<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱: ۳۳۴). بالطبع ناشناس ماندن هویت افراد از نفوذ افراد مشهور در گروه‌های بحث یا فشار گروه برای هم‌نواپی ممانعت می‌کند. این هم‌نواپی مهم است چنانکه جی. لمبرت هدف دلفی را تجمیع دامنه‌ای گسترده از تخصص‌ها و دیدگاه‌های واگرا و دست‌یابی به یک تفاهم نهایی می‌داند. به همین دلیل فرآیند دلفی اساساً ماهیتی تکراری دارد به صورتی که گروهی از خبرگان در دوره‌های متوالی به فهرستی از پرسش‌ها پاسخ می‌دهند. در پایان هر دور، شرکت‌کنندگان جمع‌بندی پاسخ‌ها را ملاحظه کرده و می‌توانند بر اساس باور دیگران پاسخ‌های خود را تغییر دهند. پاسخ‌ها به گونه‌ای جمع‌بندی می‌شوند که گوینده‌ی آنها ناشناس باقی بماند تا امکان وزن‌دهی بیش از حد به پاسخ اشخاصی که اعتبار بالایی در جمع دارند از بین برود (لمبرت<sup>۳</sup>، ۱۳۸۸: ۲۴). روش سنتی دلفی علی‌رغم نقاط قوت مشخص، همیشه با معضلاتی مانند همگرایی پایین نظرات متخصصان، هزینه اجرای بالا و احتمال حذف نظرات برخی از افراد روبه‌رو بوده است. بعدها برای بهبود روش دلفی سنتی، ترکیب

---

1. Gordon  
2. Saito & Sinha  
3. Lambert

دلفی سنتی با روش‌های فازی مطرح گردید (پاول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳:۵۳). در روش دلفی فازی، اطلاعات لازم در قالب زبان طبیعی از خبرگان اخذ شده و به صورت فازی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. روش دلفی فازی، روشی به منظور تصمیم‌گیری و اجماع بر مسائلی است که اهداف و پارامترهای آن به صراحت مشخص نیستند. در حالی که در روش دلفی کلاسیک، نظرات خبرگان در قالب اعداد قطعی بیان می‌شود، اما عموماً افراد خبره از شایستگی‌های ذهنی خود برای بیان نظر استفاده می‌کنند و این نشان دهنده احتمالی بودن و عدم قطعیت حاکم بر شرایط مورد اشاره بود (آذر و فرجی، ۲۰۱۳:۲۰۶). اما در آن سو احتمالی بودن و عدم قطعیت، با مجموعه‌های فازی سازگاری بیشتری دارد. بنابراین، بهتر است داده‌ها در قالب زبان طبیعی از خبرگان اخذ و با استفاده از مجموعه‌های فازی مورد تحلیل قرار گیرند. در تکنیک دلفی فازی خبرگان نظرات خود را در قالب اعداد مثلی فازی ارائه می‌دهند (لو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲:۲۶۷)؛ سپس میانگین نظرات خبرگان و میزان اختلاف نظر هر خبره از میانگین محاسبه می‌گردد، سپس مجدداً نتایج برای خبرگان ارسال شده و خبره براساس نتایج مراحل قبل به اصلاح نظر خود مبادرت ورزیده و یا نظر جدیدی ارائه می‌کند. این فرایند تا زمانی که اعداد ثبات و همگرایی قابل قبولی پیدا کنند ادامه می‌یابد.

---

1. Powell  
2. Loo



شکل ۱: نمودار اجرای دلفی فازی (منبع: حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳:۱۲۷)

### مسئله‌مندی‌ها و پیامدهای فضای مجازی در بازتولید قدرت در ایران

هدف اصلی این مقاله شناسایی پروبلماتیک‌هایی است که فضای مجازی در بازتولید قدرت دولت در ایران به وجود خواهد آورد. همین‌طور وزن‌دهی به مؤلفه‌ها، بررسی تأثیر و تأثر مؤلفه‌ها بر یکدیگر و در نهایت رتبه‌بندی آنها بر اساس اهمیت نیز در دستور کار قرار دارد. در این راستا فرآیند جمع‌آوری اطلاعات توسط مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و نهایتاً توزیع پرسشنامه و مصاحبه با کارشناسان و خبرگان انجام گرفته است. در ادامه به فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج حاصله از طریق ارائه نمودارها، روابط و جداول می‌پردازیم. لازم به ذکر است که در این مقاله برای تحلیل نتایج، رتبه‌بندی و وزن‌دهی به معیارها از نرم افزار اکسپرت چویس<sup>۱</sup> استفاده شده است. این نرم افزار ابزاری قوی برای تصمیم‌گیری در مطالعات چند

1. expert choice

معیاره بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی است که اولین بار توسط آل ساتی در دانشگاه پنسیلوانیا ارائه گردید (ساتی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰:۳۸). نرم افزار اکسپرت چویس روشی منحصر به فرد برای استفاده از مقایسه های دو به دو و استخراج اولویت هاست که می تواند با دقت بسیار بالا نظرات خبرگان را تحلیل نماید و نتایج دقیق تری را نسبت به نرم افزارهای دیگر ارائه کند (قدسی پور، ۱۳۸۱:۶۴).

### الف: مشخصات کارشناسان

با توجه به آنکه روش نمونه گیری و انتخاب اعضای هیئت منصفه یا همان هیأت خبره در مطالعات دلفی غیرتصادفی است و اعضاء براساس معیارهای متناسب با موضوع تحقیق انتخاب می گردند. در این مقاله نیز با در نظر گرفتن حوزه مورد مطالعه و هدف پژوهش با ۱۵ نفر خبره شامل اعضای هیأت علمی گروه های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و علوم ارتباطات دانشگاه های دولتی کشور مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام گرفت. لازم به ذکر است که اکثر پاسخ دهندگان دارای سابقه کاری بیشتر از ۱۰ سال بودند و در مرحله آغازین کار، در خصوص موضوع، روش و مدت تحقیق توجیه شدند. برخی از ویژگی های اصلی برای انتخاب خبرگان بدین شرح بود. آنها باید با مسأله مورد بحث درگیر باشند، اطلاعات مداومی از مسأله برای ادامه همکاری داشته باشند، دارای انگیزه کافی برای شرکت در فرآیند تصمیم گیری باشند و احساس کنند اطلاعات حاصل از یک توافق گروهی برای خود آنها نیز ارزشمند خواهد بود. با توجه به ویژگی های مذکور، نهایتاً ۱۵ نفر از خبرگان، به عنوان نمونه انتخاب شدند و آمادگی اولیه برای اجرای طرح برای آنان به وجود آمد.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه آماری خبرگان بر حسب رشته تحصیلی

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد
رشته های تحصیلی هیأت منصفه	علوم ارتباطات	۲	۲۰/۱۰۰٪
	علوم اجتماعی	۴	۳۳/۳۳٪
	علوم سیاسی	۹	۴۶/۶۷٪

### ب: شناسایی مؤلفه های اساسی

پس از انجام مصاحبه های نیمه ساختار یافته به استخراج گویه های مورد نظر خبرگان پرداخته و نسبت به دسته بندی مؤلفه ها اقدام نمودیم. مؤلفه هایی که از مصاحبه ها استخراج گردیده اند در جدول ۲ به صورت زیر آمده است.

**جدول ۲: مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های پروبلماتیک‌های فضای مجازی برای بازتولید قدرت در ایران**

مؤلفه‌ها	کد اختصاصی	زیر مؤلفه‌ها
هویت‌های آنلاین و بحران هویت	A1	سیال شدن هویتی
	A2	سرگشتگی هویتی
رهبران شبکه‌ای و حکمران‌های دو فضایی یا متعدد	B1	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی
شکاف دولت-ملت	C1	افزایش ستیزهای سیاسی-اجتماعی بین مردم و دولت
شهروندی جهان شمول	D1	تحول در سبک زندگی
	D2	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر
شالوده شکنی دولت	E1	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت
	E2	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد
ریزوماتیک شدن قدرت	F1	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی
اصقلاب <sup>۱</sup> و بازسازی دولت	G1	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جاکندگی نهادهای قدیمی
	G2	بازتولید قدرت جریان سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت
کاهش اعتماد سیاسی	H1	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت
	H2	کاهش سرمایه اجتماعی
	H3	بی اعتمادی به ساختار رسمی قدرت

همان‌طور که در جدول بالا مشخص شده است، ۸ مؤلفه اساسی که در واقع عوامل تعیین‌کننده شناخته می‌شوند، به‌عنوان مسئله‌مندی‌های فضای مجازی در بازتولید قدرت در ایران از سوی کارشناسان مورد تأکید قرار گرفت و ۱۴ مؤلفه به‌عنوان زیر شاخه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی شناسایی شد.

**ج: تعیین مؤلفه‌های مؤثر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران**

پس از دسته‌بندی مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و با توجه به مؤلفه‌ها و تعریف متغیرهای زبانی، پرسشنامه دور اول طراحی شد و به کارشناسان ارسال گردید. نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های پرسشنامه در جدول ۳ آمده است.

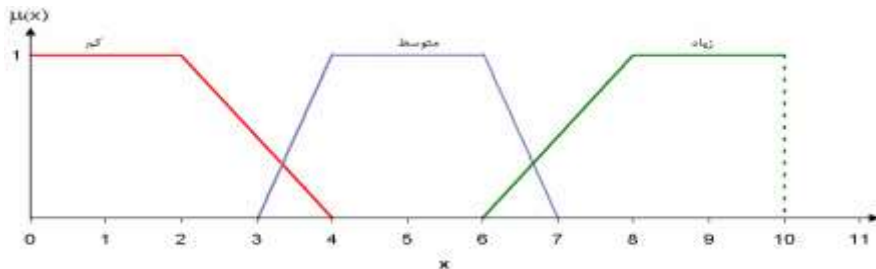
براساس نتایج موجود در جدول (۳)، میانگین میزان تأثیرگذار بودن هر یک از مؤلفه‌ها طبق روابط زیر (چنگ و لین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲:۱۴۷) محاسبه می‌گردد. (جدول ۳)

1. Refolution
2. Cheng & Lin

$$A^{(i)} = (a_1^i, a_2^i, a_3^i, a_4^i), \quad i = 1, 2, 3, \dots, n \quad (1)$$

$$A_m = (a_{m1}^i, a_{m2}^i, a_{m3}^i, a_{m4}^i) = \left( \frac{1}{n} \sum a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum a_3^{(i)}, \frac{1}{n} \sum a_4^{(i)} \right) \quad (2)$$

در این مرحله در قالب پرسشنامه از خبرگان خواسته شده است که نظر خود را در خصوص میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها استخراج شده را به صورت گزینه‌های کم، زیاد، متوسط تعیین نماید. بدین سان پرسشنامه‌های دلفی، با هدف کسب نظر خبرگان در مورد میزان تأثیر مؤلفه‌های مربوط به تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران تدارک دیده شد. لذا خبرگان باید از طریق متغیرهایی، این مقادیر «میزان» را بیان کنند. از آنجا که استفاده از متغیرهایی با ارزش‌های قطعی، خبرگان را در اظهارنظر دچار مشکل می‌ساخت، به همین دلیل، واضح است که متغیرهای کیفی، آزادی عمل بیشتری را به خبرگان می‌داد. به همین دلیل از متغیرهای کیفی مانند «کم»، «متوسط»، «زیاد» استفاده شد تا مشکلات فوق را تا حدودی تعدیل نماید. از آنجا که به دلیل ذهنیت‌های متفاوت، عموماً نظر افراد نسبت به متغیرهای کیفی مانند کم یا زیاد، یکسان نیست و اگر آنها به گزینه‌های مزبور بر اساس ذهنیت‌های متفاوت پاسخ می‌دادند، تجزیه و تحلیل متغیرها فاقد ارزش می‌گردید، لذا متغیرهای کیفی به صورت اعداد فازی دوزنقه‌ای تعریف گردید (چنگ و لین، ۱۴۷:۲۰۰۲).



شکل ۲: اعداد فازی دوزنقه‌ای

**جدول ۳: نتایج حاصل از شمارش پاسخ‌های پرسشنامه اول**

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها	پروبلماتیک‌های فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران		
		کم	متوسط	زیاد
هویت‌های آنلاین و بحران هویت	سیال شدن هویتی	۲	۸	۵
	سرگشتگی هویتی	۳	۴	۸
رهبران شبکه‌ای و حکمران‌های دو فضایی یا متعدد	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	۳	۷	۵
شکاف دولت-ملت	افزایش ستیزهای سیاسی-اجتماعی بین مردم و دولت	۱	۴	۱۰
شهروندی جهان شمول	تحول در سبک زندگی	۲	۱۰	۳
	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	۴	۶	۵
شالوده شکنی دولت	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	۸	۴	۳
	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	۸	۳	۴
ریزوماتیک شدن قدرت	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی	۲	۱۰	۳
اصقلاب و بازسازی دولت	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهی نهادهای قدیمی	۴	۶	۵
	بازتولید قدرت جریان سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	۸	۴	۳
کاهش اعتماد سیاسی	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	۳	۳	۹
	کاهش سرمایه اجتماعی	۰	۲	۱۳
	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	۰	۷	۸



جدول ۴: میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از پرسشنامه اول

ردیف	مؤلفه‌ها	تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران	جمع کل
۱	سیال شدن هویتی	[۵/۸، ۷/۸، ۹/۷، ۹/۸]	۳۳،۱
۲	سرگشتگی هویتی	[۵/۷، ۷/۵، ۹/۵، ۹/۷]	۳۲،۴
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	[۵، ۶/۷، ۸/۷، ۹]	۲۹،۱
۴	افزایش ستیزهای سیاسی - اجتماعی بین مردم و دولت	[۴/۵، ۶، ۸، ۸/۵]	۲۷
۵	تحول در سبک زندگی	[۵/۷، ۷/۵، ۹/۵، ۹/۷]	۳۲،۴
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	[۵/۵، ۷/۳، ۹/۳، ۹/۵]	۳۱،۶
۷	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	[۴/۷، ۶/۲، ۸/۲، ۸/۷]	۲۷،۸
۸	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	[۵/۳، ۷/۱، ۹/۱، ۹/۳]	۳۰،۸
۹	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیررسمی	[۵/۲، ۶/۹، ۸/۹، ۹/۷]	۳۰،۷
۱۰	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهای نهادهای قدیمی	[۴/۵، ۶، ۸/۱، ۸/۵]	۲۷،۱
۱۱	بازتولید قدرت جریان‌سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	[۵، ۶/۷، ۸/۷، ۹]	۲۹،۴
۱۲	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	[۳/۸، ۵/۱، ۷/۱، ۷/۸]	۲۳،۸
۱۳	کاهش سرمایه اجتماعی	[۴/۵، ۶، ۸، ۸/۵]	۲۷
۱۴	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	[۵، ۶/۷، ۸/۷، ۹]	۲۹،۴

$$e = (a_{m1} - a_1^{(i)}, a_{m2} - a_2^{(i)}, a_{m3} - a_3^{(i)}, a_{m4} - a_4^{(i)})$$

$$= \left( \frac{1}{n} \sum a_1^{(i)} - a_1^i, \frac{1}{n} \sum a_2^{(i)} - a_2^i, \frac{1}{n} \sum a_3^{(i)} - a_3^i, \frac{1}{n} \sum a_4^{(i)} - a_4^i \right) \quad (3)$$

با استفاده از رابطه (۳) اختلاف نظرات خبرگان محاسبه و نهایتاً پرسشنامه دور دوم تنظیم گردید. سپس هر یک از خبرگان با توجه به ارزیابی مجدد نظر قبلی خود، نظرات جدید را اعلام نمودند. نتیجه این مرحله در جداول (۵ و ۶) آمده است:

**جدول ۵: نتایج حاصل از شمارش پاسخ‌های پرسشنامه دوم**

ردیف	مؤلفه‌ها	پروبلماتیک‌های فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران		
		کم	متوسط	زیاد
۱	سیال شدن هویتی	۰	۹	۶
۲	سرگشتگی هویتی	۰	۸	۷
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	۰	۶	۹
۴	افزایش ستیزهای سیاسی- اجتماعی بین مردم و دولت	۰	۰	۱۵
۵	تحول در سبک زندگی	۰	۷	۸
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	۰	۸	۷
۷	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	۴	۹	۲
۸	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	۰	۵	۱۰
۹	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی	۲	۳	۱۰
۱۰	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهی نهادهای قدیمی	۰	۵	۱۰
۱۱	بازتولید قدرت جریان‌سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	۰	۴	۱۱
۱۲	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	۰	۵	۱۰
۱۳	کاهش سرمایه اجتماعی	۱	۲	۱۱
۱۴	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	۲	۳	۱۰

**جدول ۶: میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از پرسشنامه دوم**

ردیف	مؤلفه‌ها	تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران	جمع کل
۱	سیال شدن هویتی	[۰، ۱۰، ۱۰، ۸، ۶]	۳۴
۲	سرگشتگی هویتی	[۰، ۱۰، ۱۰، ۸، ۶]	۳۴
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	[۳، ۹، ۱، ۷، ۳، ۵]	۳۰،۸
۴	افزایش ستیزهای سیاسی- اجتماعی بین مردم و دولت	[۳، ۷، ۱، ۶، ۱، ۵، ۳، ۵]	۲۵،۸
۵	تحول در سبک زندگی	[۷، ۹، ۵، ۵، ۷، ۸، ۵]	۳۲،۵
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	[۷، ۹، ۵، ۵، ۷، ۸، ۵]	۳۲،۵



۲۹,۴	[۵, ۶/۷, ۸/۷, ۹]	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	۷
۳۲,۵	[۵/۷, ۷/۵, ۹/۵, ۹/۷]	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	۸
۲۷,۸	[۴/۷, ۶/۲, ۸/۲, ۸/۷]	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیررسمی	۹
۲۷,۸	[۴/۸, ۶/۴, ۸/۴, ۸/۸]	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهای قدیمی	۱۰
۳۰,۸	[۵/۳, ۷/۱, ۹/۱, ۹/۳]	بازتولید قدرت جریان سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	۱۱
۲۶,۵	[۵/۷, ۵/۵, ۷/۵, ۷/۷]	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	۱۲
۲۴,۴	[۵, ۵/۷, ۶/۷, ۷]	کاهش سرمایه اجتماعی	۱۳
۲۵,۶	[۵/۵, ۵/۳, ۷/۳, ۷/۵]	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	۱۴

از آنجا که در روش دلفی، توافق نظر خبرگان ملاک تصمیم‌گیری است، راندهای پرسشنامه‌ای تا آن جا تکرار می‌شود که پاسخ‌ها همگن شده و اجماع نسبی حاصل گردد. در این مرحله با محاسبه اختلاف میانگین‌های دو مرحله ۱ و ۲ با استفاده از روابط فاصله میان اعداد فازی (رابطه ۴) میزان اجماع نظر خبرگان محاسبه می‌شود. در صورتی که اختلاف محاسبه شده از ۰/۲ کمتر باشد، فرایند دلفی فازی متوقف می‌شود (چنگ و لی، ۲۰۰۲).

$$S(A_{m2}, A_{m1}) = \frac{1}{4} [(a_{m21} + a_{m22} + a_{m23} + a_{m24}) - (a_{m11} + a_{m12} + a_{m13} + a_{m14})] \quad (۴)$$

جدول ۷: اختلاف میانگین نظرات خبرگان در پرسشنامه اول و دوم

ردیف	مؤلفه‌ها	تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران
۱	سیال شدن هویتی	۰,۹
۲	سرگشتگی هویتی	۱,۶
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	۱,۷
۴	افزایش ستیزهای سیاسی-اجتماعی بین مردم و دولت	۳,۸
۵	تحول در سبک زندگی	۰,۱
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	۰,۹
۷	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	۱,۶
۸	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	۱,۷
۹	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی	۲,۹
۱۰	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهای قدیمی	۰,۷
۱۱	بازتولید قدرت جریان سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	۰,۴
۱۲	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	۸,۷
۱۳	کاهش سرمایه اجتماعی	۲,۴
۱۴	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	۲,۲

با توجه به آنکه اختلاف میانگین‌ها بیش از ۰/۲ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هنوز اجماع قابل قبولی بین نظر خبرگان وجود ندارد. لذا پس از محاسبه اختلاف نظر هر خبره نسبت به میانگین طبق رابطه (۳)، پرسشنامه جدید طراحی و توزیع گردید. نتایج شمارش و تجزیه و تحلیل پرسشنامه سوم در جدول (۸ و ۹) آمده است.

**جدول ۸: نتایج حاصل از شمارش پاسخ‌های پرسشنامه سوم**

ردیف	مؤلفه‌ها	تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران			جمع کل
		کم	متوسط	زیاد	
۱	سیال شدن هویتی	۰	۶	۹	۱۵
۲	سرگشتگی هویتی	۰	۵	۱۰	۱۵
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	۱	۵	۹	۱۵
۴	افزایش ستیزهای سیاسی - اجتماعی بین مردم و دولت	۰	۵	۱۰	۱۵
۵	تحول در سبک زندگی	۱	۶	۸	۱۵
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	۷	۴	۴	۱۵
۷	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	۷	۶	۲	۱۵
۸	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	۲	۴	۹	۱۵
۹	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی	۵	۴	۶	۱۵
۱۰	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهی نهادهای قدیمی	۳	۲	۱۰	۱۵
۱۱	بازتولید قدرت جریان‌سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	۵	۲	۸	۱۵
۱۲	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	۰	۴	۱۱	۱۵
۱۳	کاهش سرمایه اجتماعی	۱	۴	۱۰	۱۵
۱۴	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	۰	۴	۱۱	۱۵

**جدول ۹: میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از پرسشنامه سوم**

ردیف	مؤلفه‌ها	تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران
۱	سیال شدن هویتی	[۶/۸، ۱۰/۱۰]
۲	سرگشتگی هویتی	[۶/۸، ۱۰/۱۰]
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	[۵/۳، ۷/۱، ۹/۱، ۹/۱]
۴	افزایش ستیزهای سیاسی-اجتماعی بین مردم و دولت	[۵/۱، ۷/۱، ۹/۱، ۹/۳]
۵	تحول در سبک زندگی	[۵/۰۳، ۷/۵، ۹/۵، ۹/۷]
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	[۵/۸، ۷/۵، ۹/۵، ۹/۷]
۷	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	[۵/۶/۷، ۸/۵، ۹]
۸	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	[۵/۷، ۷/۲۵، ۹/۵، ۹/۷]
۹	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی	[۴/۷، ۶/۲، ۸/۲، ۸/۷]
۱۰	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهی نهادهای قدیمی	[۴/۰۳، ۶/۴، ۸/۴، ۸/۸]
۱۱	بازتولید قدرت جریان‌سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	[۵/۳، ۷/۱، ۹/۱، ۹/۳]
۱۲	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	[۵/۷، ۷/۱۲۵، ۹/۵، ۹/۷]
۱۳	کاهش سرمایه اجتماعی	[۵/۶/۷، ۸/۷، ۹]
۱۴	بی‌اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	[۵/۵، ۷/۳، ۹/۱، ۹/۵]

**جدول ۱۰: اختلاف میانگین نظرات خبرگان در پرسشنامه دوم و سوم**

ردیف	مؤلفه‌ها	تأثیر فضای مجازی بر بازتولید قدرت در ایران
۱	سیال شدن هویتی	۰
۲	سرگشتگی هویتی	۰
۳	شکل‌گیری رهبران و گروه‌های مرجع فارغ از رهبران دولتی	۰/۲
۴	افزایش ستیزهای سیاسی-اجتماعی بین مردم و دولت	۰/۲
۵	تحول در سبک زندگی	۰/۰۵
۶	شکل‌گیری زیست جهان‌های متعدد و متکثر	۰
۷	افزایش فعالیت اقلیت‌های سیاسی و جوانان در فرآیندهای قدرت	۰/۲
۸	سازماندهی و بسیج سیاسی افراد	۰/۱۷۵
۹	انتقال قدرت و بازتولید قدرت از حوزه رسمی به غیر رسمی	۰
۱۰	تحول در نظام بازتولید قدرت و از جا کندهی نهادهای قدیمی	۰/۰۵



۰/۰۷۵	بازتولید قدرت جریان سازی‌های متفاوت با خواست نهادهای رسمی قدرت	۱۱
۰/۱۷۵	کاهش مشروعیت نهادهای رسمی قدرت	۱۲
۰	کاهش سرمایه اجتماعی	۱۳
۰/۲	بی اعتمادی به ساختار رسمی قدرت	۱۴

با توجه به آنکه اختلاف میانگین‌ها در پرسشنامه فوق کمتر از ۰/۲ تخمین زده شد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اجماع قابل قبولی بین خبرگان در خصوص مسئله‌مندی‌ها وجود دارد. لذا پس از محاسبه اختلاف نظر هر خبره نسبت به میانگین طبق رابطه (۳)، این پرسشنامه سوم تأیید شده و دیگر نیازی به طراحی پرسشنامه نبود.

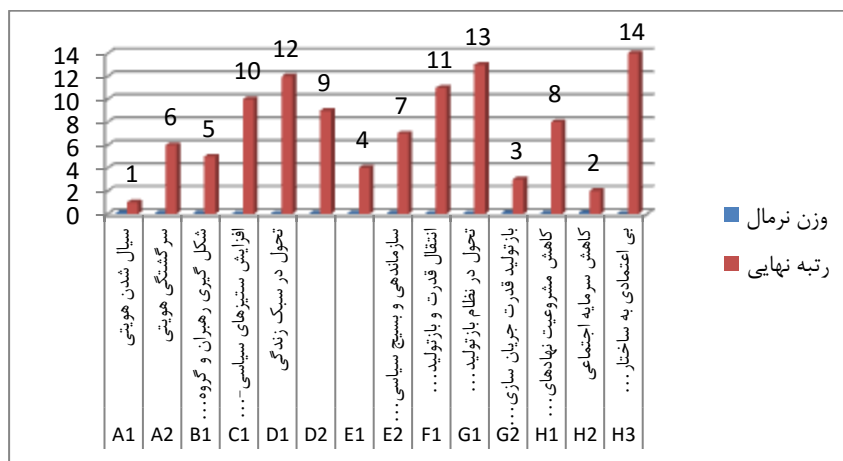
جدول ۱۱: غربالگری اولویت معیارهای اصلی

معیار	وزن فازی نرمال	$x_{max}^1$	$x_{max}^2$	$x_{max}^3$	وزن قطعی	وزن قطعی نرمال	بردار ویژه اولویت	معیار	وزن فازی نرمال
$W_{21} = \begin{pmatrix} 0,0 \\ 87 \\ 0,1 \\ 62 \\ 0,3 \\ 80 \\ 0,2 \\ 98 \\ 0,1 \end{pmatrix}$	هویت‌های آنلاین و بحران هویت	۰,۰۸۹	۰,۱۱۳	۰,۰۹۰	۰,۰۹۰	۰,۰۹۰	۰,۰۹۰	۰,۰۸۷	۰,۰۶۹
	رهبران شبکه‌ای و حکمران‌های دو فضایی یا متعدد	۰,۱۶۵	۰,۲۱۵	۰,۱۶۷	۰,۱۶۷	۰,۱۶۶	۰,۱۶۷	۰,۱۶۲	۰,۱۲۱
	شکاف دولت-ملت	۰,۱۸۲	۰,۲۵۱	۰,۱۸۷	۰,۱۸۶	۰,۱۸۵	۰,۱۸۶	۰,۳۸۰	۰,۱۲۸
	شهروندی جهان شمول	۰,۳۰۴	۰,۳۹۹	۰,۳۰۸	۰,۳۰۷	۰,۳۰۶	۰,۳۰۷	۰,۲۹۸	۰,۲۲۲
	شالوده شکنی دولت	۰,۱۲۴	۰,۱۶۳	۰,۱۲۶	۰,۱۲۶	۰,۱۲۵	۰,۱۲۶	۰,۱۲۲	۰,۰۹۱
	ریزوماتیک شدن قدرت	۰,۰۹۷	۰,۱۲۲	۰,۰۹۸	۰,۰۹۸	۰,۰۹۸	۰,۰۹۸	۰,۰۹۵	۰,۰۷۶
	اصقلاب و بازسازی دولت	۰,۰۵۶	۰,۰۷۲	۰,۰۵۷	۰,۰۵۷	۰,۰۵۷	۰,۰۵۷	۰,۰۵۵	۰,۰۴۴
	کاهش اعتماد سیاسی	۰,۰۵۲	۰,۰۷۳	۰,۰۶۳	۰,۰۶۰	۰,۰۴۹	۰,۰۶۰	۰,۳۶۰	۰,۰۳۸

نتایج حاصل از این مرحله نشان می‌دهد که:

- ❖ معیار شکاف دولت و ملت با وزن نرمال ۰/۳۸۰ از بیشترین اولویت برخوردار است.
- ❖ معیار کاهش اعتماد سیاسی با وزن نرمال ۰/۳۶۰ در اولویت دوم قرار دارد.
- ❖ معیار شهروندی جهان شمول با وزن نرمال ۰/۲۹۸ از اولویت سوم برخوردار است.
- ❖ معیار رهبران شبکه‌ای و حکمرانهای دو فضایی یا متعدد با وزن نرمال ۰/۱۶۲ در اولویت چهارم قرار دارد.

- ❖ معیار شالوده شکنی دولت با وزن نرمال ۰/۱۲۲ در اولویت پنجم قرار دارد.
  - ❖ معیار ریزوماتیک شدن قدرت با وزن نرمال ۰/۰۹۵ در اولویت ششم قرار دارد.
  - ❖ معیار هویت‌های آنلاین و بحران هویت با وزن نرمال ۰/۰۸۷ از اولویت هفتم برخوردار است.
  - ❖ معیار اصقلاب و بازسازی دولت با وزن نرمال ۰/۰۵۵ از کمترین اولویت برخوردار است.
- در گام نهایی این مطالعه با در نظر گرفتن الگوی ارجحیت و روابط درونی متغیرها با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه فازی اقدام به اولویت‌بندی و رتبه‌بندی نهایی شاخص‌ها نمودیم. به منظور رتبه‌بندی نهایی شاخص‌ها، بردارهای اولویت‌های داخلی محاسبه شده ( $W_{21}$ ,  $W_{22}$ ,  $W_{32}$ ) در ستون‌های مناسب یک ماتریس وارد شدند. در نتیجه یک سوپر ماتریس تقسیم‌بندی شده که هر بخش از این ماتریس ارتباط بین یک دو خوشه در یک سیستم را نشان می‌دهد، به دست آمد. به عبارت دیگر این سوپر ماتریس، ماتریسی از روابط بین اجزای شبکه بود که از بردارهای اولویت این روابط به دست آمد. این ماتریس چارچوبی برای مشخص کردن اهمیت نسبی شاخص‌ها پس از انجام مقایسه‌های زوجی در اختیار قرار داد. رتبه نهایی شاخص‌ها در نرم‌افزار Decision Super با رویکرد ANP در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳: رتبه‌بندی نهایی پیامدها با رویکرد ANP

## نتیجه‌گیری

یکی از اتفاقات مهم عصر حاضر، ظهور فناوری‌های ارتباطی در هیات فضای مجازی است که برجسته‌ترین آن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است. با گسترش فضای مجازی تحولات گسترده‌ای از جمله در حیات سیاسی و اجتماعی روی داده است. جغرافیای سیاسی که پیشتر تحت حاکمیت دولت‌ها بود در عصر جدید به فراقلمروهای سیال و غیرمکان‌مند تغییر مکان داده است و لاجرم روابط و مناسبات قدرت میان شهروندان و حاکمیت‌های سیاسی را نیز متحول نموده است. اکنون سوژه اجتماعی و عاملیت انسانی در فضای مجازی عضو جماعات و شبکه‌های بی‌شماری است؛ در گفتمان‌های بی‌شماری مشارکت می‌کند، مخاطب پیام‌های بسیاری از سوی هرکس و هر جایی است؛ پیام‌هایی که آرمان‌ها، هنجارها و تصاویر متضادی از جهان ارائه می‌دهند و مبین ظهور نوع جدیدی از انسان است که دولت‌ها خود را با آن روبه‌رو می‌بینند. در کنار سایر پیامدها به‌نظر می‌رسد این تحولات فرایند بازتولید قدرت دولت در بستری که این انسان جدید، سوژه اجتماعی و سیاسی آن محسوب می‌شود را با چالش‌هایی روبه‌رو سازد.

به‌طور کلی و در حالی که دولت‌ها مدت‌ها از طریق مجاری مختلفی همچون رسانه‌ها، مدارس، مساجد، نهادها و چارچوب‌های قانونی و نظام آموزشی سعی در گسترش و تداوم نظام ارزشی و فرهنگی و بازتولید مناسبات سیاسی و اجتماعی مستقر نموده‌اند، با این حال بازتولید قدرت چه با سازوبرگ‌های نرم و ایدئولوژیک و چه با سازو برگ‌های خشن، برای تمامی دولت‌ها مسیری صاف و یک راست نبوده است، بلکه برعکس با پیچیدگی‌ها و معضلاتی روبه‌رو بوده است. حداقل تا آنجا که به سازو برگ‌های باز تولید قدرت نرم مربوط می‌شود، یکی از متأخرترین این پیچیدگی‌ها ظهور فضای مجازی و گسترش قابل توجه آن در عصر جدید بوده است. با در نظر داشتن چنین بینشی در این مقاله تلاش شد با رویکردی آینده‌پژوهانه، پروبلماتیک‌هایی که فضای مجازی برای بازتولید قدرت دولت در ایران به همراه دارد بحث و تحلیل گردند. در همین راستا در این مقاله ابتدا به بررسی ادبیات نظری پیرامون مکانیزم‌های نرم بازتولید قدرت از نگاه آلتوسر، بوردیو و کاستلز پرداختیم و سپس از طریق روش دلفی، به مصاحبه با نخبگان، استخراج شاخص‌ها، توزیع پرسشنامه اقدام شد. سؤال کانونی که در این مقاله تلاش شد به آن پاسخ داده شود این بود که دولت در ایران به دلیل گسترش فضای مجازی اساساً با چه پروبلماتیک‌هایی برای بازتولید مناسبات قدرت روبه‌رو خواهد بود و پیامدهای این وضعیت چه خواهند بود؟ با استفاده از روش دلفی فازی شاخص‌های مربوطه شناسایی شده و ضمن دسته‌بندی آنها در دو حوزه مسئله‌مندی‌ها و پیامدها رتبه‌بندی مؤلفه‌ها نیز فراهم گردید. ارزیابی‌های صورت گرفته نشان داد عمده چالش‌هایی که دولت‌ها در ایران در فرآیند بازتولید قدرت در فضای مجازی با آن مواجه خواهند بود ۸ مسأله اساسی است که در این میان مسأله شکاف دولت با ملت با وزن نرمال ۰/۳۸۰ بیشترین اولویت را یافت. معیار کاهش اعتماد سیاسی با وزن نرمال ۰/۳۶۰ در اولویت دوم قرار گرفت. معیار شهروندی جهان شمول با وزن نرمال ۰/۲۹۸ از اولویت سوم برخوردار بود. معیار رهبران شبکه‌ای و حکمران‌های دو فضایی یا متعدد با وزن نرمال ۰/۱۶۲ در اولویت چهارم، معیار شالوده شکنی دولت با وزن نرمال ۰/۱۲۲ در اولویت پنجم و



معیار ریزوماتیک شدن قدرت با وزن نرمال ۰/۰۹۵ در اولویت ششم و معیار هویت‌های آنلاین و بحران هویت نیز با وزن نرمال ۰/۰۸۷ در اولویت هفتم قرار گرفتند. همین طور معیار اصقلاب که ترکیبی از انقلاب و اصلاحات محسوب می‌شود و بازسازی دولت با وزن نرمال ۰/۰۵۵ از کمترین اولویت برخوردار شدند. بنابراین به نظر می‌رسد که فضای مجازی ۸ مؤلفه و ۱۴ زیر مؤلفه برای بازتولید قدرت توسط دولت در ایران در پی خواهد داشت. از منظر سیاستگذاری رسانه‌ای باید توجه داشت که داشتن درکی صحیح از این عوامل و اینکه چگونه باید چالش‌های این فضا را به فرصت تبدیل نمود، مسأله‌ای اساسی است. بنابراین ضروری است سیاستگذاران حوزه فضای مجازی بر مکانیزم‌های اجرایی متمرکز شود که از طریق آن بتوان از درون چالش‌های مورد بحث، فرصت‌های یافت که ضمن تسهیل بازتولید قدرت دولت، توانمندی نیروهای جامعه مدنی را نیز نادیده نگیرد.

## منابع

- ابراهیمی فر، طاهره و حامد یعقوبی فر (۱۳۹۳)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر افکار عمومی (بررسی موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸)، فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال هفتم، شماره ۱: ۹۴-۶۹.
- آذر، عادل و فرجی، حجت (۱۳۸۱)، علم مدیریت فازی، تهران: مرکز مطالعات و بهره‌وری ایران.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آلتوسر، لویی (۱۳۹۲)، *ایدئولوژی و سازوکارهای ایدئولوژیک دولت*، ترجمه‌ی روزبه صدر آرا، تهران: نشر چشمه.
- بارکر، کریس (۱۳۹۱)، *مطالعات فرهنگی*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۷)، *درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم، ناصر فکوهی*، تهران: آشیان، چاپ اول.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱)، *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیپها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- توانا، محمدعلی و هاشمی اصل، عبدالله (۱۳۹۴)، درآمدی بر فضای مجازی فراقلمرویی و سیالیت هویت سوژه در پرتو تحلیل انتقادی بینامتنی، فصلنامه رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول: ۳۵-۱۵.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری‌نژاد، مسعود؛ مکی‌نژاد اصفهانی، محمدرضا و افشار، محمد مهدی (۱۳۹۱)، نقش فضای مجازی در قدرت نرم، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، شماره چهارم: ۴۸-۳۱.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.

- حاتمی، عباس (۱۳۹۴)، پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم: ابزارهایی نرم برای یک اقتدارگرایی سخت، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، شماره ۱۶، تابستان: ۳۹.
- حاتمی، عباس (۱۳۹۵)، نقش نظریه در پژوهش‌های سیاسی تاریخی: فراخوانی برای بازاندیشی در نقش نظریه‌ها در علوم سیاسی، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۲.
- حبیبی، آرش و ایزدیار، صدیقه و سرافرازی، اعظم (۱۳۹۳)، تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی، رشت: کتیبه.
- خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۰)، فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، دوره اول، شماره ۱: ۹۶-۷۱.
- خانیکی، هادی؛ بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۲)، کنشگری و قدرت در شبکه‌های اجتماعی مجازی «مطالعه کارکردهای فیس بوک در فضای واقعی»، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۱: ۸۱-۴۶.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۹)، شبکه و حوزه‌ی عمومی، در سیستم رسانه‌ای شده، ارتباطات در آینده دموکراسی، ویراستاران: دالیو لنس بنت و رابرت ام انتمن، ترجمه مسعود آریابینیا، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- دیورینگ، سایمون (۱۳۸۲)، *مطالعات فرهنگی*، ترجمه نیما ملک محمدی و شهریار وقفی پور، تهران: تلخون.
- دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۹۳)، قدرت ارتباطات یا قدرت اطلاعات: نقدی بر نظریه قدرت شبکه‌ای مانوئل کاستلز، فصلنامه نقد کتاب، سال اول، شماره ۳ و ۴: ۹۱-۱۱۰.
- سیفپور، رضا (۱۳۹۳)، زندگی دوم در فضای مجازی تغییر در سبک زندگی جوانان، همایش تربیت اسلامی و فضای مجازی: چالش‌ها و راه کارها، قم: ستاد همکاری‌های حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش، (۱۷ و ۱۸ اردیبهشت).
- شویره، کریستین و اولیویه، فونتین (۱۳۸۵)، *واژگان بوردیو*، زیر نظر ژان پی‌یر زرده، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- صادق زاده وایقان، علی؛ نجفقلی نژاد، اعظم و حسن زاده، محمد (۱۳۹۰)، *دنیای مجازی: امکانات، قوانین، روش‌ها و ابزارهای ارزیابی*، تهران: نشر کتابدار.
- صادقی، علی؛ میرشکاران، یحیی و صادقی، مصطفی (۱۳۹۴)، فضای مجازی (سایبر) امنیت و تهدید در عصر اطلاعات، فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی فارس، سال دوم، شماره چهارم: ۱۳۹-۱۲۳.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۸)، بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، نشریه: علوم اجتماعی رسانه، شماره ۸۰.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- فیسک، جان (۱۳۸۱)، *فرهنگ و ایدئولوژی*؛ ارغنون شماره ۲۰ فرهنگ و زندگی روزمره ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- قدسی پور، سید حسن (۱۳۸۱)، *مباحثی در تصمیم‌گیری چند معیاره*، تهران: انتشارات دانشگاه امیر کبیر.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*؛ ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احد علی‌قلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، *قدرت ارتباطات*، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کرایب، یان (۱۳۸۷)، *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- کرایب، یان (۱۳۸۷)، *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- گلدستون، جک (۱۳۹۶) مقدمه‌ای کوتاه بر انقلاب‌ها، ترجمه عباس حاتمی، تهران: کویر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.
- لمبرت، رابرت. جی و همکاران (۱۳۸۸)، *برنامه ریزی پایرجا برای یک قرن*، ترجمه وحید وحیدی مطلق، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.
- نصراللهی، اکبر؛ شریفی، فرزانه؛ حقیقی، محمد رضا (۱۳۹۳)، *تأثیر فضای مجازی بر تحولات ارتباطات سیاسی*، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال نهم، شماره بیست و ششم: ۱۱۷-۱۱۱.
- هرسیچ، حسین؛ ایزدی، هجرت (۱۳۹۲)، *هویت‌های پلورال عالم پست مدرن ثمره سیاست قدرت مداران مدرن*، فصلنامه غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول: ۱۶۱-۱۳۵.
- هلد، دیوید و مک‌گرو، آنتونی (۱۳۸۸)، *نظریه‌های جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: نشر چشمه.
- Adler M and Ziglio E, (1996), *Gazing into the Oracle: The Delphi Method and Its Application to Social Policy and Public Health*, London: Jessica Kingsley. Publishers.
- Bell, David (2001), *an introduction to cyberculture*, USA, Routledge.
- Cheng, Ching-Hsue, Lin, Yin, (2002), “*Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation*”, *European Journal of Operational Research*
- Chou, A & Lim, B. (2010), *A framework for measuring happiness in online social network*. Illinois state university.
- Ghaffarzadegan, Navid & Whitmore, Andrew (2010), *Cultural Tools of Framing and Politics of Persuasion in the Persian Blogosphere*. <http://www.navidg.com/research.htm>
- Gordon, T.J., (1994), "The Delphi Method, Available" at: <http://WWW.isdag.fs.utm.my>
- Jessop, B. (1990). *State theory: Putting the capitalist state in its place*. Penn State Press.
- Linstone, H.A. and Turoff, M., (1975), (digital version: 2002), "Introduction", In H. A. Linstone, M. Turoff (Eds), *The Delphi Method: Techniques and Applications*, Addison-Wesley.
- Loo, Robert. (2002), “*The Delphi method: a powerful tool for strategical management*”, *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 2002.
- Powell, C, (2003), *The Delphi technique: myths and realities*. University of Southampton.
- Saaty. T.L, (1980), "the Analytic Hierarchy Process: Planning, PrioritySetting, Resource Allocation", McGraw Hill, NY.
- Saito, Mitsuru, and Sinha, Kumares C. (1991), *Delphi Study on Bridge Condition Rating and Effects of Improvements*, *Journal of Transportation Engineering*

- Sreberny, Annabelle & Khiabany, Gholam. (2010), *Blogistan: The Internet and Politics in Iran*. I.B.Tauris.
- Tolbert, C. J., & McNeal, R. S. (2003). Unraveling the effects of the Internet on political participation. *Political research quarterly*, 56(2), 175-185.